خبر

بانک ها وام ارزان قیمت به بنگاه های اقتصادی پرداخت کنند

استاندار گلستان برای بانک هایی که اعتبارات دستگاه ها جهت ارائه وام نزد آنها بوده، ضرب العجل تعیین کرد و گفت: تسهیلات ارزان قیمت که دولت براساس توافق دستگاه های اجرایی به بانک ها داده با شتاب بیشتری در اختیار بنگاه های اقتصادی قرار گیرد. به گزارش استانداری، سید مناف هاشمی در نخستین نشست کارگروه اشتغال استان در سال جاری اظهار کرد: امسال تفاهم نامه حمایت از تولید و ایجاد اشتغال پایدار از منابع صندوق توسعه ملی برای نهادهای حمایتی بین رییس سازمان برنامه و بودجه و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی منعقده شده و یکهزار و ۲۰ میلیارد ریال منابع جدید تسهیلاتی ارزان با ۴ درصد به استان تعلق گرفته که اشتغالزایی چهار هزار و ۷۰۰ نفر را به همراه خواهد داشت. وی همچنین با تاکید بر توجه بیشتر به اشتغال و رفع بیکاری در مناطق روستایی افزود: تلاش داریم با همکاری دستگاه های اجرایی و فرمانداران و با ایجاد اشتغال تا پایان سال جاری ۴۲ روستا را به عنوان روستای بدون بیکار گلستان معرفی کنیم. به گفته وی؛ یکهزار و ۶۱۰ میلیارد ریال اعتبار در اختیار بانک های استان است و حداکثر تا دو هفته آینده یک سوم از این مبلغ را باید در قالب وام به بنگاه های اقتصادی پرداخت نمایند. وی ادامه داد که امسال تاکنون ۴۶۰ میلیارد ریال تسهیلات به بنگاه ها پرداخت شده که ۳۶۰ میلیارد ریال آن در سه هفته گذشته بوده است. استاندار گلستان با قدردانی از بانک هایی که در راستای خدمات دولت و همسو با مردم حرکت می کنند، گفت: باید با کار کارشناسی و تقسیم کار درست؛ حرکتی جدی در راستای توسعه اشتغال انجام شود.وی با اشاره به اشتغال ۲۱ هزار و ۶۶۰ نفری ایجاد شده در سال ۹۶، یادآور شد: ایجاد ۳۰ هزار و ۵۴۶ شغل برای سال۹۷ پیش بینی شده است.استاندار گلستان بر پیگیری و اجرای طرح های بزرگ و اشتغالزا در استان تاکید کرد و افزود: طرح های بالای ۲۵میلیارد ریال پس از تصویب در کارگروه استانی به کارگروه ملی ارسال تا از اعتبارات در اختیار وزارتخانه استفاده کنند.هاشمی همچنین با اشاره به تسهیلات نوسازی ناوگان کشاورزی استان اظهار کرد: در روستاها وام یک میلیارد و ۵۰۰میلیون ریالی برای ۲۰۰ دستگاه کمباین بالای بیست سال و همین مقدار به صاحبان کامیون های مدل پایین به تعداد ۱۰۰ دستگاه پرداخت می شود.طبق گزارش دستگاه های مرتبط نرخ بیکاری در گلستان سال گذشته ۱۱٫۷ درصد بود.

کامیونداران سه شهرستان شرق گلستان دست از کار کشیدند

جمعی از کامیونداران شهرستان های آزادشهر، مینودشت و گالیکش در اعتراض به وضعیت حمل و نقل در میدان جمهوری شهر آزادشهر تجمع کرده و دست از کار کشیدند. به گزارش ایرنا، از صبح چهارشنبه جمعی از کامیونداران شهرستان های مذکور به دلیل مشکلات وضعیت حمل و نقل و وضعیت اقتصادی خود، حدود ۵۰ دستگاه کامیون را در یکی از ضلع های میدان جمهوری شهر آزادشهر متوقف کرده و خواستار رفع مشکلات خود شدند.کامیونداران در اعلام موارد اعتراضی خود گفتند: کرایه حمل و نقل کامیون ها از سال ۹۲ تاکنون هیچ تغییری نکرده ولی تورم باعث رشد هزینه های خودرو آنان شده و وضعیت معیشتی آنان با مشکل روبرو است. به گفته کامیونداران، قیمت لوازم یدکی کامیون با رشد چشمگیر دو الی سه برابری، فشار سنگینی را بر آنها تحمیل کرده و افزایش نرخ بیمه نیز مشکلات کامیونداران و رانندگان را دوچندان کرده است. به گفته آنها، برخی از کامیونداران و رانندگان مطالبات چند صد میلیون ریالی از شرکت های باربری نظیر آبادان و خلیج فارس داشته و با گذشت چندین ماه مطالبات خود را دریافت نکرده اند. برخی از کامیونداران در ادامه افزودند: برخی از کامیونداران و رانندگان به دلیل تاخیر بیش از حد در دریافت مطالبات از شرکت های باربری، مجبور می شوند حواله های خود را با کم کردن میزانی از طلب، به دلالان بفروشند. کامیونداران و رانندگان با تاکید بر اینکه دوستداران و خادمان کشور هستند، محاسبه نرخ بار بر مبنای تن بر کیلومتر را خواسته اصلی خود عنوان کردند. آنها با اشاره به بی تفاوتی سندیکای کامیونداران عنوان کردند: توقع ما این بود که سندیکا از حق و حقوقمان حمایت کند و پیگیر مشکلاتمان شود اما آنها برای بهبود وضعیت بغرنج مالکان کامیون ها هیچ تلاشی نمی کنند.

بیش از حد مجاز در گلستان شالی کشت شد

با وجود بحران آب در گلستان، قانون ممنوعیت کشت شالی پشتوانه اجرایی ندارد و همچنان شالی کاری در استان روند صعودی را طی می کند. به گزارش مهر، سال هاست روزهای پر کشت و تجارت پنبه گرگان زمین به افسانه های این دیار پیوسته و جای این طلای سفید را محصول دیگری گرفته که شیره زمین را می بلعد و هرچه آب است می کشد. برنج اگرچه برای کشاورزان سود خوبی دارد اما لقب سرطان چاه های آب در گلستان را به خود اختصاص داده چرا که سه تا ۶ برابر سایر محصولات آب مصرف می کند و یکی از دلایل اصلی کم شدن ذخایر سفره های زیرزمینی و افت دینامیک چاه های آب است. هدر رفت این چنینی آب در حالی است که اجازه کشت برنج به طور رسمی به کشاورزان در گلستان داده نمی شود و امسال هم وزارت نیرو قانون ممنوعیت کشت شالی به جز در گیلان و مازندران را صادر کرده است. هرچند در عمل این قانون بی پشتوانه، محدودیت کشت ۱۵ هزار هکتاری را اعلام می کند و حتی در پروانه بهره برداری همه کسانی که چاه آب دارند، نوشته شده «از آب چاه برای کشت شالی استفاده نشود» اما کشاورزان گلستانی بدون توجه به این مباحث سال گذشته بیش از ۸۰ هزار هکتار شالی کشت کردند. در سال زراعی جاری هم هرچند مسئولان هنوز آمار رسمی اعلام نکرده اند و کشت شالی تا دو ماه آینده هم ادامه دارد اما شواهد و قرائن موجود از روند صعودی کشت این محصول در گلستان حکایت دارد.

هشدار دادیم کشاورزان نپذیرفتند

مدیرعامل شرکت آب منطقه ای گلستان با اشاره به این که هم اکنون حدود ۹۵ درصد آب های زیرزمینی و ۷۲ درصد آب های سطحی استان برداشت می شود، اظهار کرد: باید بپذیریم خشکسالی و تغییر اقلیم با ما عجین شده است و باید توأمان مدیریت عرضه و مصرف داشته باشیم. علی نظری افزود: سال گذشته برای کشت نکردن شالی و کاهش سطح زیر کشت به کشاورزان هشدار دادیم ولی نپذیرفتند و در نتیجه خسارات فراوانی را متحمل شدند. وی با بیان این که از ابتدای سال آبی جاری تاکنون ۳۶۴ میلی متر باران باریده است که نسبت به سال گذشته هشت درصد افزایش و نسبت به دراز مدت ۴.۵ درصد کاهش را نشان می دهد، گفت: در مخازن سدهای استان ۶۵ میلیون مترمکعب آب ذخیره شده است که معادل ۲۳ درصد حجم آب سدهای استان است. به گفته وی آورد رودخانه های استان هم طی این مدت به طور میانگین بین ۷۰ تا ۹۰ درصد کاهش را نشان می دهد که مهم ترین علت آن تغییر اقلیم، خشکسالی های پیاپی، برداشت بی رویه از آب زیرزمینی و پایین رفتن نیم متری آب سفره های استان نسبت به سال گذشته است. جزییات بیشتر وضعیت منابع آبی استان را از معاون حفاظت و بهره برداری شرکت آب منطقه‌ای گلستان جویا شدیم و سید محسن حسینی اظهار کرد: از میانگین حدود ۹ میلیارد مترمکعب بارندگی سالانه در استان ۷۰ درصد آن تبخیر شده و حدود ۲.۵ میلیارد متر مکعب آن آب موجود و تجدید پذیر استان را تشکیل می‌دهد. وی با بیان این‌که از ۲.۵ میلیارد مترمکعب آب تجدید پذیر استان در سال‌های نرمال حدود یک میلیارد و ۲۳۵ میلیون متر مکعب آن آب های سطحی است، گفت: میزان آب سفره‌های زیرزمینی استان حدود یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون متر مکعب است که بر اساس بخشنامه وزارت نیرو در اواخر سال ۱۳۹۵ حدود ۷۵ درصد این توان، قابل بهره‌برداری است.

۹۷ درصد پتانسیل آبی استان در بخش کشاورزی و صنعت استحصال می شود

معاون حفاظت و بهره برداری شرکت آب منطقه‌ای گلستان با یادآوری این که در سال ۱۳۸۷ در گلستان به این نتیجه رسیدیم که دیگر آب قابل تخصیص برای بخش کشاورزی نداریم، افزود: در واقع ۹۷ درصد از پتانسیل آبی استان (حدود یک میلیارد و ۲۱۰ میلیون متر مکعب از یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون مترمکعب پتانسیل آبی زیرزمینی گلستان) در بخش کشاورزی، صنعت، شرب و همچنین چاه های غیرمجاز استحصال می‌شود. وی ادامه داد: از مجموع آب‌های سطحی و زیرزمینی استان حدود ۸۸ درصد در بخش کشاورزی، آبزی پروری و محیط زیست، حدود سه درصد در صنعت و ۹ درصد در بخش شرب مورد بهره برداری قرار می گیرد. وی اضافه کرد: هرچند چاه‌های غیرمجاز استان عموما کم عمق و بادبی کم هستند اما حدود ۱۳ درصد از منابع آب زیرزمینی استان توسط ۱۵ هزار حلقه چاه غیرمجاز استحصال می‌شود. حسینی با یادآوری این که در سال ۱۳۸۷ به این نتیجه رسیدیم که باید سهم آب کشاورزی استان کاهش یابد، تصریح کرد: کاهش مصرف آب کشاورزی، الزاما به معنای کاهش سطح کشت نیست بلکه به اعتقاد ما باید با صرفه جویی و استفاده از شیوه‌های نوین آبیاری حجم آب استحصالی کاهش یابد. وی به موضوع نصب کنتور هوشمند برای محاسبه حجم آب مصرفی در بخش کشاورزی اشاره کرد و گفت: از مجموع ۲۰ هزار حلقه چاه مجاز استان حدود چهار هزار چاه برقی است و تنها هزار و ۵۰۰ چاه مجهز به کنتور هوشمند هستند. معاون حفاظت و بهره برداری شرکت آب منطقه‌ای گلستان ادامه داد: هم اکنون حدود ۷۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی استان در سال‌های نرمال توسط آب‌های سطحی و حدود ۱۸۰ هزار هکتار توسط آب های زیرزمینی آبیاری می‌شود. وی متذکر شد: بر اساس الگوی کشت گلستان سالانه مجاز به کشت ۱۵ هزار هکتار شالی است اما در سال زراعی گذشته بیش از ۸۰ هزار هکتار شالی در استان کشت شد. حسینی تاکید کرد: کشاورزان و بهره برداران مجاز آب‌های زیرزمینی ضمن خودداری از کشت برنج، لازم است نهایت صرفه جویی در استفاده از منابع آبی استان را به عمل آورده و به جهت پیشگیری از خسارت به محصولات حداقل ۲۰ درصد از سطح کشت خود را کاهش دهند. حسینی در حالی که بیان می کند کاهش مصرف آب کشاورزی، الزاما به معنای کاهش سطح کشت نیست بلکه باید با صرفه جویی و استفاده از شیوه‌های نوین آبیاری، حجم آب استحصالی کاهش یابد اما در عین حال تاکید می کند که کشاورزان ضمن خودداری از کشت برنج، به جهت پیشگیری از خسارت به محصولات کشاورزی استان حداقل ۲۰ درصد از سطح کشت خود را کاهش دهند اما در همین شرایط مدیر زراعت جهاد کشاورزی استان گلستان از روند صعودی کشت شالی در استان خبر می دهد. محمدرضا عباسی اظهار کرد: در سال زراعی۹۵ حدود ۷۳ هزار هکتار شالی در گلستان کشت شد و سال گذشته این رقم به بیش از ۸۰ هزار هکتار رسید.

قانون منع کشت نداریم

مدیر زراعت جهاد کشاورزی گلستان گفت: برنج جزو محصولات حمایتی جهادکشاورزی نیست و در عین حال قانون منع کشت نداریم اما با وجود سطح وسیع کشت در استان و ادامه کاشت این محصول هنوز آمار دقیقی از سطح کشت نداریم. وی از شالی به عنوان محصولی با نیاز آبی بسیار نام برد و افزود: برای کشت این محصول به غیر از استان های گیلان و مازندران در سایر استان ها از آب های زیرزمینی استفاده می شود. عباسی با بیان این که هر هکتار شالی ۱۵ هزار لیتر آب مصرف می کند در حالی که تنها سه تن برنج دریافت می کنیم، اضافه کرد: قیمت گذاری برنج در کشور غیرکارشناسی، احساسی و سیاسی است. وی تصریح کرد: قیمت جهانی برنج بین سه تا سه هزار و ۵۰۰ تومان است در حالی که برنج ایرانی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد نسبت به قیمت جهانی بالاتر قیمت گذاری می شود. وی با بیان اینکه نیاز سالانه برنج کشور حدود دو میلیون تن است و باید به سمت واردات این محصول برویم، خاطرنشان کرد: عدم کشت شالی با زور و اجبار کشاورز امکانپذیر نیست و باید به دنبال فعالیت های فرهنگی، آموزشی و ترویجی باشیم. وی با تاکید بر اینکه محصولات جایگزین کشت شالی باید صرفه اقتصادی داشته و معیشت کشاورزان را تامین کند، بیان کرد: باید یک کار کارشناسی شده، جامع و کامل تدوین کرده و اصلاح قانون مشوق ها را در دستور کار قرار دهیم.

خشکسالی گلستان را تهدید می کند

مدیر زراعت جهادکشاورزی گلستان اظهار کرد: سطح آب های زیرزمینی به شدت افت کرده، با کمبود آب مواجه ایم و خطر خشکسالی استان را تهدید می کند و کشاورزان هم بدون برنامه به کشت شالی ادامه می دهند چرا که وقتی پای منافع اقتصادی پیش می آید به توصیه ها توجهی نمی کنند. وی با تاکید بر اینکه باید مشوق ها و محصول جایگزین کشت شالی مشخص شود، متذکر شد: کشت شالی در استان شبیه کودکی است که امروز ناخلف بزرگ شده و باید راه حل منطقی در پیش گرفته و چاره اندیشی کنیم و در این راه چاره ای نداریم جز آنکه از تجربه کشورهای دیگر استفاده کنیم. به گفته عباسی وقتی پای منافع اقتصادی پیش می آید کشاورزان به توصیه ها توجه نمی کنند و همچنان کشت بدون برنامه شالی در استان ادامه می یابد اما عضو هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی از منافع اقتصادی کشت شالی به عنوان سود آنی یاد کرد و گفت: در بسیاری از بخش های استان از عمق چند صد متری آب استحصال کرده و شالی کشت می کنیم. حمیدرضا رضایی افزود: اگر قیمت واقعی این آب که از سفره های زیرزمینی استحصال شده و به کشت شالی اختصاص می یابد را محاسبه کنیم برنج استان گلستان کیلویی ۱۰۰ هزار تومان می شود اما ما و کشاورزان به سود آنی فکر می کنیم. وی ادامه داد: در شرایطی که کشاورز به سود آنی فکر می کند و دستگاه های اجرایی و قضایی هم جلوی او را نمی گیرند در نتیجه آب فسیلی که صدها سال طول می کشد جبران شود را با یک روزه مصرف می کنیم. رضایی با اشاره به این که در تدوین برنامه آمایش سرزمینی استان گلستان ارزیابی و توان سنجی نقاط مختلف استان انجام شده، تاکید کرد: چاره ای نداریم جز این که بر اساس این برنامه آمایش سرزمینی و توان هر منطقه گام برداریم و گرنه پیش بینی کارشناسان این است که تا ۲۰ سال آینده شرایط محیط زیستی ما به نقطه ای می رسد که غیرقابل جبران است. بحران آب و روند صعودی کشت شالی در گلستان در حالی ادامه دارد که آب منطقه ای تنها ابزار جریمه کردن کشاورزان را در دست دارد و جهادکشاورزی هم برای معرفی محصولات جایگزین کشت شالی که برای کشاورزان صرفه اقتصادی داشته و معیشت آنان را تامین کند، برنامه ای ندارد.

جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی اولویت فرمانداری گرگان است

سرپرست فرمانداری شهرستان گرگان بیان داشت: از همه افراد با هرنگاهی در امر توسعه شهرستان حمایت می کنیم، سرمایه گذاری بخش خصوصی از اولویت ما است و در جهت تسهیل امر سرمایه گذاری و کوتاه شدن فرآیند استعلام از دستگاه ها، مسئولیت استعلامات را فرمانداری برعهده خواهد گرفت. به گزارش روابط عمومی، ابوالقاسم صفوی در نخستین روز فعالیت خود به عنوان فرماندار شهرستان گرگان در گلزار شهدا اظهار داشت: از نقد و بررسی رسانه ها خوشحال می شویم و امید داریم با راهنمایی رسانه ها بتوانیم به توسعه گرگان بپردازیم و از رسانه ها انتظار داریم که با نقد و بررسی کارشناسی امور یاری گر ما باشند و در امر تحقق توسعه شهرستان در ابعاد مختلف فعالانه مشارکت نمایند. صفوی تأکید کرد: از دغدغه سرمایه گذاران باید کاسته شود و فرمانداری هماهنگی لازم را در تسهیل سرمایه گذاری صورت بخشد، ما در کنار سرمایه گذاران استانی و غیراستانی خواهیم بود و اعتقاد داریم که با آمدن سرمایه گذار امکان افزایش تولید و اشتغال میسر خواهد شد. وی با اشاره به حضور اقوام مختلف در استان و شهرستان گفت: همانگونه که حضرت آیت ا... نورمفیدی بعنوان محور وحدت بر دو امر وحدت و توسعه دارند، ما دست همه شهروندان گلستانی را به گرمی می فشاریم و از یکایک آنان انتظار داریم با مشارکت اقتصادی در تحقق توسعه ما را یاری نمایند. وی افزود: شعار و هدف من پرداختن به توسعه است و معتقدم در راستای حل یا دست کم کاهش مشکلات مردم با خردجمعی به این مهم بپردازیم و از همه افرادی که دغدغه توسعه استان را دارند دعوت می کنم به ما کمک کنند. صفوی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: از همه احزاب که نماینده افکار عمومی هستند در جهت پویایی و نشاط روزافزون جامعه حمایت می کنیم.

افزایش صادرات گلستان

علی مکتبی– مدیرکل گمرکات گلستان ارزش کالاهای صادراتی این استان در دو ماه گذشته را ۴۴ میلیون و ۵۲۱ هزار و ۵۴۲ دلار اعلام کرد و گفت: صادرات امسال ۴۴ درصد در مقایسه با مدت مشابه سال قبل افزایش یافته است. سید ابراهیم حسینی افزود: مواد لبنی، خوراک آماده طیور، میلگرد، نئوپان، یُد، پلی استایرن و قطعات سوله از مهمترین کالاهای صادراتی گلستان بود که بیشتر به مقصد کشورهای عراق، ترکمنستان، افغانستان، قزاقستان، روسیه، ترکیه، ازبکستان، هند و چین صادر شد. وی، حجم کالاهای صادراتی گلستان را در مجموع ۵۴ هزار و ۴۹۶ تن ذکر کرد و گفت: این مقدار کالای صادراتی از لحاظ وزنی نیز ۱۲ درصد بیشتر از مدت مشابه سال قبل بوده است. حسینی به واردات کالا از گمرکات گلستان نیز اشاره کرد و گفت: در دو ماه گذشته مقدار ۱۸ هزار و ۹۱۵ تن انواع کالا به ارزش ۶ میلیون و ۶۷۰ هزار و ۴۳۱ دلار وارد کشور شده است. وی اضافه کرد: کالاهای وارداتی از لحاظ وزنی ۸۵۵ درصد و از لحاظ ارزش نیز ۱۸۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است. مدیرکل گمرکات گلستان، قطعات خط تولید، دانه آفتابگردان، کلر و پتاسیم و دستگاه های استخراج یا تهیه روغن های نباتی را از مهمترین کالاهای وارداتی در دو ماه گذشته بیان کرد و گفت: چین، قزاقستان، آلمان، روسیه، ترکیه، هند، پاکستان و ایتالیا از جمله کشورهای مبدا این واردات بودند.وی همچنین از رشد ۳۶۸ درصدی درآمدهای وصولی گمرکات گلستان در دو ماه گذشته خبر داد و افزود: درآمد این بخش ۲۲ میلیارد و ۵۵ میلیون و ۵۸۶ هزار ریال بوده است.

آگهی مجمع عمومی عادی (بطور فوق العاده)
سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان

در اجرای مواد ۵۲،۵۳ و۵۴ آیین نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، اولین مجمع عمومی عادی (بطور فوق العاده)سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان در سال ۹۷، نوبت اول در روز شنبه ۹۷/۰۴/۰۲ از ساعت ۱۵ الی ۱۷ در محل سازمان نظام مهندسی ساختمان استان گلستان برگزار می گردد. درصورت به حد نصاب نرسیدن نوبت اول، نوبت دوم مجمع در روز یکشنبه مورخ ۹۷/۰۴/۰۳ ساعت۱۵ الی ۱۸ در گرگان، کانون طه، واقع در خیابان شهید رجایی جنب استخر معلم برگزار خواهد شد.

دستور جلسه:
۱–استقرار هیات رییسه موقت وانتخاب هیات رییسه اصلی مجمع عمومی
۲–پیشنهاد حق الزحمه اعضای هیات مدیره، شورای انتظامی و بازرسان سال ۹۷

آگهی های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۵۰ مترمربع پلاک ۱۲۰۰۸ فرعی از ۳ اصلی بخش ۳ثبت گرگان ملکی آقای حسن جلالی فرزند غلامرضا در ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۱۳۹۷/۴/۴ در محل وقوع ملک واقع در گرگان –کوی طالقانی –کوچه طالقانی چهارم –انتهای کوچه –سمت چپ بعمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاورین نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بادادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
علی برقی –رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان – ۱۴۱۱ م الف

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

خبر

دادگستری گلستان رتبه سوم رسیدگی به پرونده ها را کسب کرد

لیلا حسین زاده–رییس کل دادگستری گلستان سرعت رسیدگی و نتیجه بخشی به پرونده ها را یکی از دغدغه های قوه قضاییه ذکر کرد و گفت: استان گلستان که در سال ۹۵ رتبه سی ام در بین ۳۱ استان را کسب کرده بود، در سال ۹۶ با جهش چشمگیر ۲۷ پله ای به رتبه سوم کشور رسید. هادی هاشمیان در آیین معارفه و تکریم ریاست دادگستری شهرستان آزادشهر خاطرنشان کرد: کسب این رتبه و موفقیت مرهون تلاش های مسئولان و قضات پرتلاش استان است. وی با بیان اینکه بالاترین مراجعه به دستگاه قضایی از سوی مردم انجام می شود، گفت: مردم مهمترین ناظر دستگاه قضایی هستند.رئیس کل دادگستری گلستان یادآور شد: قوه قضاییه با ورود بیش از ۱۵ میلیون و ۳۰۰ هزار پرونده در سال در سطح کشور و ورود تشکیل حدود ۴۰۰ هزار پرونده در استان گلستان فعالیت بالایی در تعامل با مردم دارد که این روند با وجود امکانات کم، با سلامت و دقت قضایی همراه است.وی عنوان داشت: دستگاه قضا از نظر عملکرد کمی، کیفی و صداقت نمونه است و این موضوع از رضایت مندی مردم که در پرونده های مختلف با قوه قضاییه در ارتباط هستند، قابل مشاهده است.

۳۲ کشور مقصد صادرات گلستان است

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان از صادرات ۲۲۵میلیون دلار کالا از استان طی سال گذشته خبر داد و گفت: ۳۲ کشور هدف این صادرات بوده اند. به گزارش ایرنا به نقل از سازمان صنعت، حسینقلی قوانلو در نشست کارگروه توسعه صادرات و کمیته برون گرایی و جذب سرمایه گذاری خارجی ستاد اقتصاد مقاومتی استان اظهار کرد: عراق با ۸۶ میلیون دلار، ترکمنستان با ۵۵ میلیون دلار، افغانستان با ۱۳ میلیون دلار وقزاقستان با حدود ۱۰ میلیون دلار بیشترین واردات کالا را از گلستان داشته اند. وی افزود: همچنین رومانی، روسیه، بلغارستان، ازبکستان، ترکیه، هند، چین، قطر، پاکستان، ایتالیا، ویتنام، آذربایجان، هنگ کنگ، صربستان، گرجستان، قرقیزستان، بوسنی وهرزگوین،یونان،تاجیکستان،بحرین،لهستان، نروژ، کنیا، ارمنستان، کویت، آلمان، امارات و استرالیا دیگر کشورهای مقصد صادرات این استان بودند. به گفته وی؛ اقلام عمده صادراتی گلستان شامل پنیر، رب، میلگرد، پلی استایرن، تخته فشرده و نئوپان، پریفرم، پلی اتیلن، قطعات سوله و یُد بوده است. قوانلو؛ توسعه کشورهای هدف صادراتی را با توجه به مصوبات ستاد اقتصاد مقاومتی وکارگروه توسعه صادرات استان از برنامه های سال گذشته بیان کرد که محقق شده است. وی همچنین واردات برخی اقلام کالایی را برای استان مزیت بیان کرد و افزود: عمده واردات استان کالاهای واسطه ای بوده که پس از فرآوری دوباره صادر می شود. قوانلو با یادآوری اینکه روند مثبت توسعه صادرات استان در ماه های پایانی سال گذشته آغاز و استمرار دارد، گفت: در فروردین ۹۷ صادرات از گلستان نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۸ درصد رشد داشته است.

عامل کلاهبرداری ۸۳ میلیارد ریالی در گلستان دستگیر شد

فرمانده انتظامی گلستان از دستگیری عامل اخلال در نظام اقتصادی و اعتراف وی به ۸۳ میلیارد ریال کلاهبرداری در قالب سرمایه گذاری در بورس خبر داد. به گزارش مهر به نقل از پایگاه پلیس گلستان، سردار علی اکبر جاویدان اظهار کرد: جرایم اقتصادی یکی از چالش هایی است که می تواند تهدیدی برای امنیت کشور باشد. این مقام ارشد انتظامی استان با اشاره به تبعات و آثار منفی جرایم اقتصادی در نظام اقتصادی کشور گفت: تبعات اجتماعی این گونه جرایم عموم افراد جامعه را در بر می گیرد. جاویدان به عزم جدی پلیس آگاهی در برخورد با پدیده جرایم اقتصادی اشاره و بیان کرد: در همین راستا و در پی مدت ها کار اطلاعاتی و پلیسی، عامل اخلال در نظام اقتصادی در گلستان شناسایی و دستگیر شد. وی افزود: متهم که از سال ۹۲ در قالب کارگزار بورس و سرمایه گذاری شهروندان در بورس و با پرداخت سود بالا به مردم، میلیاردها ریال کلاهبرداری کرده بود، دستگیر و تحویل مراجع قضائی شد.

بخش اول

بی سرانجامی آینده

پژمان گلچین – روزی با دوستی بر روال روزمره، گپی را آغاز کرده بودیم و کلام رسید به اینجا که او گفت:

ما بایستی در ایران فلان کار را انجام دهیم تا بتوانیم در راستای توسعه به پیش برویم

و من گفتم:

به نظرم تا زمانی که تاریخ نداشته باشیم قدم از قدم بر نخواهیم داشت.

در اغاز، آن دوست، برداشتش از حرف من این بود که، بایستی برویم کتاب تاریخ بخوانیم تا تاریخ-دار بشویم، و من در مسیر ایراد بر نقص برداشت او، سرفصل مضمونی را بین خودمان باز کردم که از همان مقدمه، در ادامه ی این مطلب، شرح داده خواهد شد.

در ابتدا و در همان مقدماتی ترین بخش ورود به این مطلب، بایستی برویم و ببینیم ما با چه چیزی و به چه عنوانی به نام «تاریخ» روبرو هستیم، که مولف این متن که خود من می باشم، مدعی هستم «بدون داشتن «تاریخ» امکان گام برداشتنمان در هیچ جهتی نیست»؟

این فرآیند باز-معنا کردن لفظ فوق، با ارجاع به وضع متداول و مستعمل این لفظ صورت خواهد گرفت. یعنی، به جای رفتن به سراغ شرح محتوایی «تاریخ» به معنای دقیق کلمه، از این تلاش به ظاهر آکادمیک، فعلا چشم پوشی میکنیم و فرض را بر این میگذارم که با همان معنای دم دستی و روزمره ی تاریخ روبروییم و، در همین موقعیت شروع می کنم از خود و شما در همین زمینه پرسیدن، که:

وقتی لفظ «تاریخ» را به کار میبریم، آیا ما با یک امر موجود روبروییم یا یک چیزیست که به عرصه ی خیال ما پهلو می زند، و چیز خارجی ای در بیرون نیست؟

اگر فرض را بگذاریم که می توانیم مصادیقی برای این لفظ، یعنی «تاریخ» در بیرون بیابیم؛ حتی قراردادی و موقت، بایستی از یک سئوال دیگر پرده برداریم که، تا چه اندازه به «ضرورت» برای تاریخ معتقدید، یعنی تا چه اندازه باور دارید که، تاریخ از نقطه ای که آغاز شده است ختم به همان نقطه ای خواهد شد که از قبل در مدار ترسیمی ذهنتان تصورش کرده بودید ؟! و مهم نیست اینکه چه تاریخ، به عنوان موجودیتی از پیش تدوین شده در ساختار طبیعت و جهان در نظر گرفته شود، و چه به عنوان ساختار از پیش تعیین شده درذهن عاملان و ایجاد کنندگانش؟

پرسش بعدی این است که، آیا تاریخ از به هم پیوستن عاملانی انسانی شکل میگیرد یا بر اساس اراده ی افرادی که نا خواسته این عاملیت را به دست دارند و یک ضرورت طبیعیست به وجود می آید؟

به هر حال، چه عاملیت این چیز، از دل افراد بر بخیزد و چه از دل ساخت جهان، آیا همواره تاریخ مسیر رو به جلو را انتخاب می کند، یا مسیر تاریخ نا متعین تر از این حرفهاست؟ یعنی گاهی رو به جلو و گاهی رو به عقب.

این رو به جلو و روبه عقب فرض کردن تاریخ چنین است که، از یک باور خطی انگار زمانی بر می خیزد؟ آیا نمی شود تاریخ را در جهات متعددی متصور بود؟ و الزاما رو به دو جهت عقب و جلو لحاظش نکرد؟گویی با ورود به این حجم از پرسشها، نا خواسته بایستی بازگردیم به آغازین ترین مطلبی که می خواستیم از آن سخن بگوییم، «تاریخ چیست»،البته با این بازگشت جدید به پرسش اولیه اوضاع کمی فرق میکند.چون ارجاع به پرسش «تاریخ چیست» وجه مشترک ابتدای کار با همین اکنون است که به اینجا رسیده ایم، اما تفاوتشان در این است که، بعد از ورود به این پرسشها متوجه حجم سنگینی از نادانسته گی هایی می شویم که نیاز است برای فهمشان از روی خیلی از مفاهیمی که بداهتی دم دستی برایمان داشت عبور کرده و با این فرض، حال بیشتر و موثق تر خواهیم دانست که چرا به سراغ آن قصد اولیه که پاسخ دادن به معنای تاریخ بود بازگشته ایم؛ اگرچه شاید بلاتکلیفیمان در قبال پاسخ به پرسشها افزون تر شده است. در چنین اوضاعی حال مجدد میپرسیم که: آیا به نظر شما با این حجم بلاتکلیفی از فهم معنای تاریخ، اصلا می شود از چیزی به نام تاریخ یاد کرد؟! گویی هرچه به این سمت بیشتر نظرمان سوق پیدا کند بایستی به سراغ معنایی کلی تر و جامع تر و تمام شمول تر گام برداریم. اگرچه چنین چیزی خود مبحثی دیگر است و نیاز به شرح پیوست دیگری دارد.

یا شاید بایستی آنقدر پرسش را شخصی اش کرد تا از تجربه ی فردانی افراد، سراغ این موجود نا مشخص را گرفت و از ایشان پرسید، آیا معنای لفظ «تاریخ» را تجربه کرده اید، یا در نگاهتان هیچ معنایی برایش قائل نیستید؟!

البته پیش از ورود مجدد به اینکه بخواهیم «تاریخ» را محل پرسش خودمان قرار دهیم، بایستی از چیز مهم دیگری نیز سر در بیاوریم، و آن هم این است که، آیا به واقع ما در ازای لفظ «تاریخ» آن هم هنگامی که در زبان روزمره و تخصصی به کارش می گیریم، معنای خاصی به ذهنمان متبادر می شود که حاصل تامل ما بوده است یا بنا بر عادت که عموم الفاظ روزمره ی ما دچار آن شده اند توانایی انکشاف این لفظ را در ذهنمان معلق اعلام کرده ایم؟! یعنی صرفا همانطور که پیشینیانمان برای اسب تک شاخ، لفظ «اسب تک شاخ» را انتخاب کرده اند و موجودیت چنان چیزی برای امروزه ی ما، در لایه ی سنگینی از ابهام است، برای تاریخ هم لفظ «تاریخ» را برگزیده اند، و ما کلا از مصادیق این لفظ بیخبریم، و به عبارتی حتی از ابتدایی ترین مصداقهای انضمامی زیستی هم برای معرفی وجودی این لفظ قاصریم.

به دریافت من، در هر ساختار پژوهشی ، هنگامی که ما در مورد امری می اندیشیم، لحاظ سه وجه در مورد موضوع مورد پژوهش، گویی ضروریست. آن سه وجهی که میشود از آنها یاد کرد به شرح زیر هستند:

وجه شخصی، وجه عمومی و وجه کلی.

۱.وجه شخصی، وجه جزئی-فردی ای هست که در نسبت با تجربه ی شخصی و فردانی خود فرد پژوهنده رخ می دهد شاید معادل این لفظ در انگلیسی را بتوان لفظ private در نظر گرفت. به طوری که حاصل خصوصی ترین تجربه های ادراکی فرد در جهان است و تا زمانی که توان بست عام برای دیگری نیافته باشد نمی تواند اعتباری برای رد یا اثبات را کسب کند.

۲.وجه عمومی و اجتماعی که به عنوان یک موقعیت عمومی و در پیرامون خود فرد که برآمده از مناسبات اجتماعی او هست قابل بررسیست و این وجه از یک زبان عمومی و general تبعیت میکند که برای دیگری هم-فرهنگ یا هم-تجربه ی زیسته، قابل درک است.

۳.وجه کلی و universal امر مورد پژوهش، که در این وجه، موضوع به شکلی کاویده میشود که مورد فهم عموم جوامع بشری و نوع انسان قرار بگیرد و مفاهیم از گستره ی شخص، فرهنگ و اجتماع خاصی که فرد در آن زیست میکند خارج می شوند، و به عبارتی وجه «کلی» آن امر مورد نظر، مورد پژوهش قرار میگیرد. و احکام منتج از پژوهش دایره ی شمول شناختیشان، کلی هستند و abstract.

عموما در هنگام پژوهش در مورد هر موضوعی، ما این سه گانه را خواسته یا ناخواسته در درون پژوهشمان لحاظ میکنیم، و در تحقیقات علوم طبیعی که ملموس ترین و آزمایشگاهی ترین پژوهش ها هستند، هم از آغاز، پژوهشگران تلاش میکنند، تجربیات جزئی و فردی را با ذیل فرمول در آوردن به وجه کلی، قابل فهم کنند. در چنین حالتی موضوع مورد پژوهش، قابل باز بینی و مناقشه افکنی و نقد و بازآفرینی و بازبینی قرار میگیرد. نیز در هنگام پژوهش در امور اجتماعی، گاها این امر فردی و جزئی، توامان با امر عمومی و جنرال، هماهنگ، و گاها معطوف به امر عمومی صرف، خوانش می گردد. و در فلسفه، هم از آغاز، ضرورت دارد که امر کلی را بیابیم و از سطح وضع فردی و اجتماعی(عمومی) استنتاج کلی را انجام بدهیم و حتی اگر از روشی استقرایی هم استفاده می کنیم، با این فرض است که، استقرا هم، حتی اگر ناقص باشد، نهایتا مقصودمان استخراج معنایی کلی از پدیده هاست.البته با لحاظ اشتراکات و اختلافات موجود بین امور چنین ضروری، حال مجدد بیاییم و به بازسازی معنای معادل با لفظ «تاریخ» بپردازیم. یعنی ضمن لحاظ آنچه از تجربه و دریافت فردانی-جزئیت، که از موضوع داریم، بیاییم و دریافت را در وجه جنرال هم بکاویم و تلاش کنیم امر فوق را ذیل معنایی کلی هم خوانشش کنیم. هم تاریخ مرتبط با فرد، هم تاریخ مرتبط با اجتماع و هم معنای محض تاریخ. این فرآیند را هم جوری پیش نرویم که اولویت و اولیتی برای هر کدام قائل باشیم، بلکه این فرآیند توامان و در هم تنیده را با هم در نظر گرفته و پیش ببریم.

«تاریخ» در قبال آنچه در روزمره ی خود، با آن، به عنوان فرد جزئی روبروییم، حاصل ترکیب به یادآورنده ای از اتفاقهایی هست که در زندگی من جزئی رخ داده اند. از زایمان مادر آغاز میشود و به فراخور توان به یادآورندگی و درهم تنیدگی و پیوستاری رویدادها در مغز، روزها و شبهای متعددی را برای من جزئی، زنده نگاه داشته میشود. مبیینمشان. میشناسمشان و حاصلِ اتفاقها، به واسطه ی ساختار به یادآورندگی، و به واسطه ی ساختار حافظه، واجد دو موقعیت تکرارشوندگی، و غیبت و تکرارنشوندگی میگردند. خوب که به این اتصال ها و گسست ها می نگرم، چیزی پیوستار، مکانمند، و متحرک را شهادت میدهم که موجود است. یک چیزی که نیست اما گویی هست. و یک چیزی که هست و گویی مدام نیست میشود. یک امر دگرگون شونده ی مدام در حال شدن. به عبارتی اگر بخواهیم تاریخ یک چیز را به صورتی دم دستی و روزمره روایت کنیم، گویی بایستی مسیر «شدن» آنچیز را روایت کرده و به دیگری و خود، آن «شدن» را اعلام کنیم. این «شدن» در تمام مراحل زیستی «چیزها» مشهود است. مثلا اگر بگوییم تاریخ سلولها، به عبارتی منظورمان سیر«شدن» آن سلول هاست که زیر نظرشان داریم، یا وقتی در مورد تاریخ علم حرف میزنیم یا وقتی می گوییم تاریخ ریاضیات و تاریخ اندیشه، از انواع و گونه های مختلفی یاد میکنیم که وقتی «شدن» را در کنار آن موضوع محوری ایشان بگذاریم، روبه سوی «تاریخ» آن چیز گام برداشته ایم. پس به نظر میرسد، هنگامی که از تاریخ، می خواهیم سخنی بگوییم، بایستی تکلیف خود را با معنایی کاربردی تر و زیستی تر به نام «شدن» مشخص کنیم. «شدن» مسئله ای نیست که صرفا در تجربه ی زیسته ی من جزئی ثابت باقی مانده باشد. در همه ی موقعیت ها قابل ملاحظه است و اینک وقت آن است که با بازگشتی به این لفظ، از خود و دیگری بپرسیم، «شدن چیست؟». وقتی چیزی می شود، به عبارتی به شکلی از موقعیت جدیدی تبدیل می شود که سابق بر این نبوده است. یعنی مدام دگرگونی را در خود، و با خود، به همراه دارد. «دگرگون» همان دیگر گونه شدن است. یعنی شکلش ، مکانش، زمانش، فعلیتش، اجزایش و ... هر یک در جایی و جایگاهی رو به تغییر می افتند. آن چیز سابق دیگر همان که بود نخواهد ماند. دیگرگون شده است. همان «شدن» را در خود فعال کرده است. هر چیزی شکل شدنش با چیز دیگر متفاوت است و می توان از انواع شدنها یاد کرد. برای همین ما از انواع تاریخ ها یاد میکنیم. شدن سلولی، تاریخ سلولی را می سازد، و شدن دانش ما از ساختار علمی جهان، تاریخ علم را در بر میگیرد، و شدن تحولات اجتماعی، تاریخ اجتماع را. یعنی همینکه ما با دگرگونی سلول روبرو می شویم می توانیم از یک تاریخ خاص مرتبط با روند شدن سلولها، آگاهی بیابیم و هنگامی که از دگرگونی نظریات علمی مطلع می گردیم و یا با خبر شدن ما از دگرگونی داده های مرتبط به اجتماع یا اجتماعات، ما را با تاریخ تحولات اجتماع یا اجتماعات آشنا میکند.

یادداشت

تاملی بر نزاع کلامی در عصر عباسی

بغداد در بحران

حامد رو شنی راد – نزاع بر سر حدوث و قدم قرآن و کشتن ۷۰،۰۰۰ نفر در عصر مأمون، به دلیل باور به قدم قرآن، امروز چنان برای ما مضحک است که آن را بیدرنگ به حساب توحش و عدم آزادی عقیده گذاشته و نمونهٔ بارز خشونت و کشتار بر سر هیچ می دانیم.این نگاهی ایدئولوژیک است(که بسا در جایگاه خود واجد مزایای خود باشد) اما با دید فنومنولوژیک هیچ پدیده ای در تاریخ «بر سر هیچ» نیست. آن هم کشتاری با این ابعاد که آن هم نه مردم عادی، بلکه طبقهٔ علما و فقها و قاضیان و مفتیان را هدف قرار می دهد و آن هم در «مدینهٔ بغداد»، شهری که بر خرابه های تیسفون بنا شد و بعد از هارون الرشید چنان عظمت ارگانیک و توسعهٔ بروکراتیکی یافت که اگر آن را پایتخت مدنی و سیاسی جهان آن زمان بخوانیم یقینا گزاف نگفته ایم. آنچه نزاع بر سر حدوث و قدم قرآن را به یک «بحران بزرگ» بدل می کند این است: آیا کلمهٔ الله در تاریخ است یا ورای تاریخ؟ مأمون در منشور فرمان ممنوعیت قول به قدم قرآن (یعنی فراتاریخیت کلمه الله و حدوث قرآن یعنی زمانمندی آن) به «اسحاق بن ابراهیم» حاکم بغداد سخنان جالب توجهی می زند و قائلان به قدم کلمهٔ الله را به نصرانیت متهم می کند. مامون می نویسد:«ایشان در مورد «قرآن»، چنان سخن می گویند که مسیحیان در مورد عیسی می گویند». در اینجا مامون، در مقام سخنگوی سیاسی بیت الحکمه، آشکارا می گوید: فهم کلمهٔ الله بمثابهٔ امری قدیم و لازمان نوعی «ارتجاع معنوی» است به مسیحیت. (خدای مسیحیت، در قالب عیسی، به درون تاریخ هبوط می کند، اما خدای قرآن [الله] چنین نیست. دلیل این مسئله این است که خدای انجیل همان خدای فرا تاریخی تورات متأخر [یَهوه] است، که بدواً بیرونَ از تاریخ ایستاده است؛ یَهوه برای تکمیل موجودیت انضمامی خویش، باید تولدِ عیسی به درون تاریخ هبوط کند، الله اما پیشاپیش در تاریخ است).به هر روی در عصر مأمون برای اولین و احتمالاً آخرین بار در تاریخ اسلام، پافشاری سیاسی بر اندیشهٔ «تاریخیت کلمهٔ الله» ظهور کرد، چنانکه طبقهٔ نخبگانِ کلامی و سیاسی، که پیشتر توانسته بودند با کودتایی نظامی قدرت سیاسی را به دست بگیرند، با پروراندن اندیشهٔ مأمون در انجمنهای مخفی خود (نهادهایی با هویتی مناقشه برانگیز که با نام «بیت الحکمه» شناخته می شوند) کار را به آنجا کشاندند که مأمون نهایتا با ارسال ۱۷ منشور به سرانِ موسساتِ قضایی و مذهبی و سیاسیِ بغداد، دعوت به حدوث و «در زمان بودنِ کلمهٔ الله» را آشکار می کند. این تکاپوی سیاسی آخرین تلاشِ «بیت الحکمه» بود برای ممانعت از ارتجاعِ معنوی به مسحیت و ممناعت از گسترش روز افزون باور به قدم و لازمانیت کلمه الله. و به عبارتی آخرین تلاش برای «نجاتِ کلمه الله در بغداد» و حفاظت از هویت انضمامی آن. تلاشی که با روی کار آمدن «متوکل» به تمامه شکست خورد و «شهر هزار و یک شب» نیز بعد از بیداری از کابوسِ این بحران و پایان ایام ستیز بر سر حدوث و قدمِ قرآن، موسوم به «ایام محنه»، روز به روز در سراشیب سقوط افتاد. گویی از این پس کلمهٔ الله نیز از بغداد به فراسوی تاریخ پرکشید.

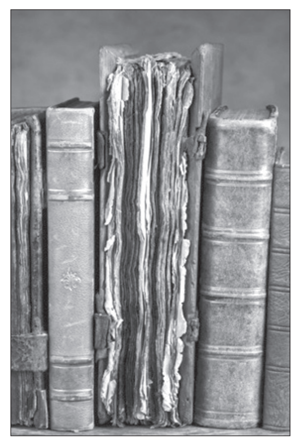

به‌مناسبت پاسداشت زبان ملی

این نوشتار بخشی از کتاب مصطفی نصیری است که جلد اول آن تحت عنوان بسطی بر تاملی درباره ایران، اولین جوانه های خود آگاهی ایرانی که در اختیار گلشن مهر قرار گرفته است

نظریاتی از نوع «دو قرن سکوت» عبدالحسین زرین‌کوب، نه تنها باعث شد تا ناحیه‌ای پراهمیت از تاریخ ایران‌زمین، از محدوده و حوزه نفوذ تاملات نظری و پژوهش‌های میدانی دانش‌های سیاسی و ادبی ما بیرون بماند، که به‌کلی از حوزه تاریخ عمومی ایران بیرون افتاده است. به‌بیانی دیگر، تحولاتی که در سده‌های اولیه اسلامی بویژه در دو سده اول و دوم هجری در «ارض فارس» رخ داده است، در وضعیت زوال اندیشیدن و فقدان غیاب تاریخ‌نویسی ایرانی، (اعم از تاریخ اندیشه یا تاریخ‌مفاهیم، تاریخ عمومی و تاریخ ادبیات)، لاجرم آن تحولات ذیل تاریخ «عربی‌اسلامی» تدوین شده است، زیرا از پیامدهای نظریه‌هایی مثل دو قرن سکوت، ما تاکنون فاقد موضعی در خودآگاهی ایرانی برای نظر در تحولات سده‌های یادشده بوده‌ایم.

جایی برای انکار نیست که ما تکوین خودآگاهی ایرانی امروزی خود را معمولا به دوره سامانیان بویژه تکوین خردنامه فردوسی ارجاع می‌دهیم، گویی‌که در فاصله میان آغاز سلطه عربان بر ایران‌زمین تا زمان تکوین شاهنامه فردوسی (و تدوین برخی متون قبل و بعد از آن، مثل تاریخ بیهقی و ...) و نیز تجدید نوآیین زبان فارسی، هیچ نامی از ایران و ایرانی در میان نبوده است!. چه‌بسا عبدالحسین زرین‌کوب، و تمام کسانی‌که «تاریخ ادبیات زبان فارسی» را با مطلع سامانیان نوشته‌اند، متاثر از چنین نگاهی بوده‌اند. ما امروز در وضعیتی هستیم که ناگزیر باید همه نوشته‌هایی را که از موضعی در آگاهی ایرانی نوشته نشده و «موضوع» آنها ایران نیست، وجهی از وجوه زوال اندیشیدن بدانیم و با آنها تسویه حسابی اساسی بکنیم. از جمله این‌ها، همه آن کتاب‌هایی است که در باره تاریخ ادبیات زبان فارسی نوشته شده، و معمولا بررسی سیر تاریخی دو گونه مهم متون ادبی ـ نظم و نثر ـ را از دوره سامانیان شروع می‌کنند و هیچ‌گاه سروده‌های شاعرانی مثل بشاربن‌برد و ... در تاریخ‌های ادبیات خود وارد نمی‌کنند، زیرا همه این تاریخ‌نویسان ادبی از این نکته غفلت دارند که «تاریخ ادبیات ایران» را نباید به «تاریخ ادبیات زبان فارسی» فرو بکاهند و در نتیجه میراث و گنجینه ادبیات ایرانی که در زبان‌هایی غیر از زبان فارسی تولید و انباشت شده، محروم بمانند. این فروکاستن در حالی است‌که «ابن‌ندیم» زبان‌های ایرانی را در کتاب مهم خود «الفهرست» ـ به‌نقل از روزبه ـ پنج زبان؛ پهلوی و دَری و فارسی و خوزی و سریانی نقل کرده است . یکی از نتایج بسیار زیان‌بار فروکاستن تاریخ ادبیات ایران به تاریخ ادبیات زبان فارسی، به‌خلاف ظرفیتی که روزبه ایجاد کرده است، همین‌جا خود را نشان می‌دهد که ما از پی‌جویی آگاهی «ملی» ایرانی در سده‌های مهم قبل از سامانیان غفلت می‌کنیم.

تاریخ‌نویسان ادبی ما متوجه این نکته نشده‌اند که تاریخ ادبیات «زبان فارسی» آن‌ها تنها ادبیات یکی از زبان‌های ایرانی است، و نه همه زبان‌های ایرانی. وقتی ابن‌ندیم از روزبه نقل می‌کند که «لغات الفارسیة: الفهلویة والدَّریة والفارسیة والخوزیة والسّریانیة»، منظور وی این نیست که زبان فارسی شامل زبان‌های پنج‌گانه یاد شده می‌گردد، زیرا در این‌صورت باید می‌گفت که «لغة الفارسیه ....». اما روزبه می‌گوید که «زبان‌های ایرانی عبارتند از پهلوی و ...». به‌بیان بهتر «الفارسیة» در ترکیب «لغات‌الفارسیة» به‌معنی «ایران ـ ایرانی»، و نه «زبان فارسی» است. دلیل درستی این نکته به این برمی‌گردد که عربان همواره ایرانیان و کل ایران‌زمین را «الفُرس» می‌نامیدند. بنابراین و بی‌گمان، یکی از محتمل‌ترین تفسیرهایی که امروزه می‌توانیم از نظریه روزبه در باره زبان‌های ایرانی، بویژه ذکر زبان سریانی در عداد زبان‌های ایرانی داشته باشیم و از این ظرفیت استفاده کنیم، همین است که با محوریت زبان فارسی (ملی)، خود را مدعی و وارث همه مضامینی بدانیم که ایرانیان در زبان‌های رایج در حوزه ایران بزرگ فرهنگی به یادگار گذاشته‌اند، و تلاش کنیم تا مضامین ایرانشهرانه در زبان‌های یاد شده را به زبان ملی خود برگردانیم و آن را غنی‌تر کنیم. اگر تاریخ، چنین امکانی را به ترکان عثمانی و عربان می‌داد، استفاده‌هایی از این امکان می‌کردند که به مخیله ما خطور نکرده است. حال با در نظر گرفتن این مقدمه باید از این امکان نیز استفاده کنیم که زبان عربی نیز می‌تواند ـ و باید ـ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زبان‌های رایج در حوزه ایران بزرگ فرهنگی به‌شمار بیاید، زبانی که محل ظهور و بروز بسیاری از مضامین و اندیشه‌های ایرانشهرانه بوده و است. این نکته از منظر و زاویه‌ای که ما می‌نگریم بسیار اهمیت دارد زیرا زبان عربی برای سده‌هایی طولانی یگانه زبان حامل دانش و فرهنگ و سیاست در حوزه ایران بزرگ فرهنگی بوده، و علاوه بر آن، این زبان در نظام سنتی تولید علم در ایران ـ اعم از ایران فرهنگی و ایران سیاسی امروزی ـ همواره زبان فارسی را همراهی کرده و از این رهگذر بسیاری از گنجینه‌های علمی و فرهنگی ما در سرزمین و خاک این زبان دفن و پنهان شده است. بنابراین با تبدیل تاریخ‌نویسی ادبیات زبان فارسی به تاریخ‌نویسی ادبیات ایرانی یا «ادبیات زبان‌های ایرانی»، آثار تعداد بی‌شماری از شاعران و نویسندگانی که امروزه جزوی از تاریخ ادبیات عرب و غیره به‌حساب می‌آیند، در قلمرو تاریخ‌نویسی ایرانی قرار می‌گیرد. من فکر می‌کنم تاریخ‌نویسان ادبی ما، اول باید تاریخ ادبیات زبان فارسی را به تاریخ ادبیات ایران یا تاریخ ادبیات زبان‌های ایرانی تبدیل کنند تا راه برای ورود مضامین شعری شاعرانی مثل اسماعیل بن‌یسارنسایی و بشاربن‌برد و صالح القدوس و ....، و مضامین علمی‌ادبی نویسندگانی مثل ابن‌قتیبه‌ها و مسکویه‌ها و ابوحیان توحیدی‌ها و سجستانی‌ها و ....، در تاریخ ادبیات ایرانی باز شود، و سپس در مرحله دوم راه برای ورود اندیشه‌های آنان در (سیر/صیر) تاریخ اندیشه در ایران باز شود. تردیدی نیست که چشم‌پوشی از چنین میراثی، بویژه اندیشمندان و شاعرانی که امروزه از بنیادهای هویتی و سند اصالت تاریخی به‌حساب می‌آیند و به‌همین دلیل مورد بیشترین ایلغار و دستبرد هستند، عاملی جز این ندارد که ما از پی‌جویی و پژوهش در دوره تکوین و بالندگی «اولین جوانه‌های خودآگاهی ایرانی» غفلت ورزیده‌ایم. آن خودآگاهی ایرانی که در سنین بلوغ خود، خردنامه فردوسی و تاریخ بیهقی را آفریده است، نه تنها در دوره تکوین و بالندگی، عاطل و عاری از آفرینش نبوده، بلکه توانسته است از عهده احیا و تثبیت «ایده ایران» برآید. بی‌گمان بدون احیا و تثبیت ایده ایران در سده‌های اول و دوم هجری، هیچ امکانی برای فردوسی و بیهقی و دیگرانی که ادامه آن‌ها شدند، وجود نداشت. و در پایان گریزی از این اعتراف نیست که ما توان طرح چنین ادعایی را مدیون «خودآگاهی»‌ای هستیم که از ایستادن بر موضعی در آثار دکتر جواد طباطبایی پدیدار می‌شود. (مصطفی نصیری)

پدیدارشناسی ژاپنی

علی نجات غلامی

ژاپن در پدیدارشناسی، سنت خاص خودش را از همان دوران آغازین یعنی اوایل قرن بیستم داشت و نمی‌توان گفت از طریق ترجمه همچون دیگر جوامع با آن آشنا شده است و به نحوی در تولید مسیر اصلی آن مشارکت داشته است. شاگردان ژاپنی هوسرل مراوداتی فکری با دیگر شاگردان هوسرل و دیگر اندیشمندان آلمانی داشتند که تأثیر و تأثراتی چشم‌گیر در میان بوده است. خاصه با مارتین هایدگر مکالماتی صورت گرفت که به راحتی نمی‌توان گفت صرفاً همچون دیگر جوامع از هایدگر تأثیر پذیرفته‌اند چه بسا بر روی تأثیراتی نیز گذارده باشند. به هر حال شکی در این نیست که در آن شاخه‌ای از جریان پدیدارشناسی که به «پدیدارشناسی اگزیستانسیالیستی» در فرانسه نزد سارتر و مرلوپونتی و دیگران معروف است، مشخصاً تقدم‌هایی اساسی دارند. نوع دغدغه‌های ژاپنی عمدتاً آن‌ها را به سمت مقولات فرهنگی و انسانی می‌کشانید و از این حیث همگرایی‌های وسیعی با هایدگر و سارتر دیده می‌شود و گاه نیز مباحثی بر سر تاثیر مستقیم آنها بر خود هایدگر در می‌گیرد. کتاب آنتونی استاینباک، پدیدارشناسی در ژاپن، منبع خوب و موثقی در باب سیر پدیدارشناسی در ژاپن است که می‌توان با رجوع به آن حدیث مفصلی را خواند که در این مدخل مختصر شد.

با این حال، نکته مهم این است که آیا بر خود هوسرل هم اثری گذارده‌اند؟ روشن است که این حرف کمی نیست. طبعاً تأثیرگذاری را اگر بدین معنا بفهمیم که تمی یا مفهومی را از ایشان گرفته باشد خیر، اما در مقام یک کاتالیزور ممکن است باعث جهتگیری هوسرل به سمت آخرین و تأثیرگذارترین مرحله‌ای تکوین فکری‌اش و تمرکز بر آن یعنی مبحث «بحران بشریت و علم اروپایی» شده باشند. در رصد ریشه‌های ایده‌هایی که هوسرل در آخرین اثرش یعنی «بحران علم اروپایی و فلسفه فرارونده» و نیز «خطابه وین» پرورانید، ما به حدود یک دهه قبل بر می‌گردیم که در نیمه‌های دهه ۱۹۲۰ هوسرل برای اولین بار سرخط‌های این بخش از اندیشه‌هایش را نمایان کرد که در پنج مقاله موسوم به مقالات کایزو (به معنای احیاء و یا احیای فرهنگی) آمده بودند که به سفارش یک مجله ژاپنی نوشته شده بود. این اولین بار و از معدود دفعاتی بود که هوسرل در بیرون از آلمان چیزی منتشر می‌کرد. (مقاله بریتانیکا برای دایره‌المعارف بریتانیکا و بخش اول و دوم کتاب بحران به دلیل فشار نازی در وین از موارد دیگر بودند. کتاب تأملات وی نیز اصل آلمانیش در زمان حیات او منتشر نشد اما ترجمه فرانسوی آن در فرانسه بعد از سخنرانی‌های پاریس‌اش منتشر شد). هوسرل در مقالات کایزو مباحثی در خصوص بحران بشریت و تمدن و علم را مطرح کرد که بعدها پخته شده‌ی آنها در کتاب بحران آمدند. در دهه بیست هوسرل مواجهاتی با عالم شرق داشت، خاصه با هند و ژاپن. برخورد او با هند در ابتدا همدلانه بود اما به سرعت نظرش برگشت و در مقاله‌ای همچون «بودا و سقراط» به تفکر شرقی حمله کرد. با این حال به ژاپن امید داشت و معتقد بود که بیش از دو دهه است که به روح اروپا پیوسته است. این نکته را که این مقالات کایزو را هوسرل برای نشریه‌ای ژاپنی نوشته است که حاوی تم‌هایی خاصی از هوسرل درباره‌ی فرهنگ و تجدید حیات فرهنگی‌اند، می‌توان اینگونه تفسیر کرد که نوعی تأثیر کاتالیزوری بر هوسرل گذارده‌اند که روی این موضوعات به مثابه آخرین مباحث فلسفی عمرش متمرکز شود. قبلاً این کاتالیزور را هایدگر می‌پنداشتند که دغدغه‌های وجودی و تاریخمندتری به دلیل مواجهه با هستی و زمان هایدگر در آخرین اثر هوسرل ذیل موضوع زیست‌جهان مطرح شده است. اما نظر به مقالات کایزو که چند سال قبل از نشر هستی و زمان هستند و به قول هوسرل در نامه‌اش به فاندر «هایدگر تا قبل از نشر هستی و زمان چیزی از اندیشه‌های خودش به من نگفته بود»، می‌توانم بگویم که این کاتالیزور بیشتر ژاپنی‌ها بوده‌اند. که صدالبته مراد از کاتالیزور تأثیرگذاری تماتیک نیست، بلکه بیشتر این است که او را مسئله‌مند کرده‌اند که روی بعدی از اندیشه‌اش تمرکز جدی کند. به هر حال در مجموع می‌توان گفت که سنت پدیدارشناسی ژاپنی در محتوایش به هایدگر بسا نزدیک‌تر از هوسرل باشد. اما در ژرفای آن انگار دغدغه‌ای از سنخ هوسرلی پژواک دارد. مقاله‌ای که از کوبو آبه برای ترجمه انتخاب کرده‌ام که مخاطبان با متن اصلی پدیدارشناختی ژاپنی آشنا شوند، در حاق خودش این نکته را دارد که انگار زیر تم‌هایی که شدیداً به هایدگر شبیه‌اند چیزی هوسرلی را نمی‌خواهد از کف بدهد:

«برای پاسخ به این پرسش، من نخست در مقابل خطاها و تعاریف ناواضحی درباره‌ی مفاهیم سوژه و ابژه می‌ایستم. آنگاه نتیجه خواهم گرفت که حقیقت هرگز نمی‌تواند بدین شیوه به پرسش کشیده شود. با این حال پرسش از حقیقت بایستی بار دیگر در آسمان‌های خیلی دور مطرح شود».کوبو آبه که بی‌شک غولی بی‌بدیل در شرق قلم است را عمدتاً با رمان‌هایش به مثابه نویسنده‌ای می‌شناسند که قرین کافکاست.خاصه او را با رمان آوانگارد «زن بر روی ریگ روان» می‌شناسند که تحت نظر خودش، تشیگاهارا آن را به فیلم بدل کرد و در وصف آن فیلم همین کافی که جزو ده فیلم محبوب تارکوفسکی است. با این حال او از حیثیت فلسفی او غفلت فراوانی شده است. مجموعه مقالات فلسفی وی که اخیرا به انگلیسی پدیدار شده است نشان از این دارد که ژان پل سارتری است که دیوارش کوتاه‌تر از هستی و نیستی‌اش نیست و دودکش خانه‌اش بر روی شن، سر به کنگره‌های سردر قانون کافکا می‌ساید. و حتی شعرش ...